

● نگاهی به

نقد موسیقی

فیلم در مطبوعات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کامبیز روشن روان
پرتال جامع علوم انسانی

موسیقی فیلم با تمام گستردگی و تنوع وسیع اجرایی و کاربردهای گوناگون و مؤثر آن در سینما، جزو ناشناخته‌ترین و مظلوم‌ترین هنرها در سرزمین ماست. هنری که از بدو ورود رسمی آن به سینمای ایران (فیلم قیصر) برخوردارهای متفاوت و بعضاً توهین آمیزی نسبت به آن انجام گرفته است. در سینمای قبل از انقلاب موسیقی متن فیلم وسیله‌ای بود برای بیان بهتر و ارائه موفقتر ابتذال سینمایی و همانگونه که انتظار می‌رفت موسیقی متن اینگونه فیلمها نیز به تبع محتوای کلی فیلم فاقد ارزش و اعتبار هنری لازم بود و بعضاً توسط کسانی ساخته می‌شد که از ابتدایی‌ترین اصول و قواعد موسیقی بی اطلاع بودند، آهنگسازی که ساخت موسیقی متن فیلم را با ضرب گرفتن روی میز استودیو انجام می‌دادند و یا با خواندن ترنم آهنگی روی آن نظر خود را به نوازندگان منتقل

می‌کردند. (ناگفته نماند که در آن زمان فیلمهای با ارزشی توسط برخی کارگردانان مطلع و هنرمند ساخته می‌شد که موسیقی آن هم توسط بزرگان موسیقی ایران که آهنگسازان برجسته‌ای بودند تصنیف می‌گردید). امروز نیز موسیقی متن فیلم وسیله‌ای است برای پوشاندن معایب فیلم و سرپوش نهادن بر ضعف تصویری و نارسایی مفاهیم.

موسیقی متن در سینمای امروز ما نقشی حیاتی ایفا می‌کند و این مهم توسط آهنگسازی با پشتوانه‌های متفاوت موزیکال انجام می‌پذیرد. آهنگسازی که با کمترین امکانات اجرایی (چه در رابطه با نوازندگان و چه در رابطه با استودیوهای ضبط موسیقی) ولی با تلاشی پیگیر و طاقت فرسا تا امروز بار سنگین مسئولیت موسیقی فیلم را به دوش کشیده‌اند. آنچه در این میان می‌تواند مرهمی بردل

دردمند آهنگسازان فیلم باشند نقد مناسب، معقول و سازنده موسیقی فیلم است. نقدی که از کمبودها، مشکلات، نارساییها، نوآوریها، خلاقیتها، ارزشهای هنری، نقاط ضعف و قوت، بدعتها و چگونگی ساخت و اجرای موسیقی متن توسط آهنگساز فیلم حکایت کند. در این باره کسانی می بایست دست به قلم ببرند که از پشتوانه هنری و موسیقایی بسیار قوی برخوردار بوده، قدرت تجزیه و تحلیل موسیقی بطور اعم و موسیقی فیلم بطور اخص را داشته باشند.

متأسفانه آنچه امروز به عنوان نقد موسیقی

در نقد موسیقی فیلم کسانی می بایست دست به قلم ببرند که از پشتوانه هنری و موسیقایی بسیار قوی برخوردار بوده، قدرت تجزیه و تحلیل موسیقی به طور اعم و موسیقی فیلم به طور اخص را داشته باشند.



فیلم در سرزمین ما وجود دارد پرتو کم رنگی از آنچه که آن را نقد موسیقی فیلم می دانیم می باشد. نقدهایی که فاقد هر گونه ارزش هنری و علمی است و جز گمراه کردن خوانندگان مجلات و روزنامه‌هایی که اینگونه مقالات به اصطلاح نقد گونه را می خوانند، نتیجه دیگری به همراه ندارند.

در جایی که متأسفانه هیچگونه نشریه‌ای راجع به موسیقی در آن انتشار نمی یابد، نوشتن هر گونه مطلبی درباره موسیقی حساسیت بخصوصی را ایجاد نموده، فوراً نظرها را به خود جلب می کند. این امر باعث می گردد تا نویسندگان نقد و مقالات موسیقی، تحت هر عنوانی، حساسیت و اهمیت موضوع را درک کرده، با آگاهی کامل و علم به آنچه که می نویسند، در این راه حرکت نمایند و این رسالت و وظیفه سنگینی است بر دوش تمامی قلم بدستانی که راجع به موسیقی نقد و یا مطالب تحقیقی، علمی، آموزشی و... می نویسند.

غالباً به نقدهایی در موسیقی فیلم بر می خوریم که حکایت از بی اطلاعی کامل نویسنده آن از موسیقی و موسیقی فیلم دارد. حتی موردی را سراغ دارم که نویسنده محترم نقد موسیقی فیلم زحمت دیدن فیلم را هم بخود نداده، تنها قضاوت دوستان خود را ملاک نوشتن نقد موسیقی فیلم قرار داده بود! این نقادان محترم ابتدایی ترین اصول نقدنویسی را نمی دانند و از موسیقی که تجریدی ترین هنرهاست و درک آن نیازمند مطالعه و شناخت کافی می باشد کاملاً بی بهره اند و علاوه بر آن، نه تنها اصطلاحات رایج موسیقی را

بسیاری از نقادان موسیقی فیلم به دلیل ناآگاهی و بی اطلاعی از موسیقی فیلم مطالبی را به عنوان نقد می نویسند که اصولاً نقد نیست.

موسیقی فیلم با تمام گستردگی و تنوع وسیع اجرایی و کاربردهای گوناگون و مؤثر آن در سینما، جز و ناشناخته ترین و مظلومترین هنرها در سرزمین ماست.

آنچه اکنون می تواند مرهمی بر دل دردمند آهنگسازان فیلم باشد نقد مناسب، معقول و سازنده موسیقی فیلم است.

امروز موسیقی متن فیلم وسیله‌ای است برای پوشاندن معایب فیلم و سرپوش نهادن بر ضعف تصویری و نارسایی مفاهیم.

نمی دانند بلکه با بکار بردن اصطلاحات غلط که هیچگونه مفهوم و منطق تصویری و موسیقایی ندارد ذهن پاك علاقه مندان این هنر را مخدوش می نمایند. از این دست اصطلاحات می توان از موسیقی تماتیک، موسیقی ریتمیک و موسیقی فیلمنامه ای و... در فیلم یاد کرد. این اصطلاحات گاهی در کلاسهای موسیقی فیلم توسط دانشجویان مطرح می شود، در حالی که هیچگونه تعریفی برای آنها ندارند و نمی توانند آنها را در فیلمها تحلیل نمایند. فقط اسامی را در نقدهای موسیقی فیلم خوانده و بخاطر سپرده اند، بدون آن که معانی و تعاریف آنها و کاربردشان را در موسیقی فیلم بدانند.

بسیاری از نقادان موسیقی فیلم بدلیل ناآگاهی و بی اطلاعی شان از موسیقی فیلم مطالبی را به عنوان نقد می نویسند که اصولاً نقد نیست و فقط بی اطلاعی خود را در مورد هنر موسیقی بروز می دهند. این نقادان محترم هنوز نیافته اند که موسیقی به هر شکل آن کاری کاملاً تخصصی است و هر مطلبی در این باره بایستی دارای منطق موسیقی مربوط به هراتر خاص و در رابطه با فرم، محتوی، سبک اثر، شیوه نگارش و بافت موسیقایی آن باشد. آنها گویا فراموش کرده اند که موسیقی فیلم می بایست با کل سوزده فیلم، شخصیتها، زمان، مکان، روابط عاطفی، فضا سازی، احساسات انسانی و بسیاری موارد دیگر در فیلم مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد.

آیا نقادان محترم از آهنگسازان فیلم راجع به شیوه نگارش موسیقی و نحوه ساخت موسیقی متن، همچنین از خلاقیتها، ابتکارات و

امکانات و محدودیتهای آنان سئوالی کرده اند؟ آیا تا امروز آثار آهنگسازان فیلم را به طور مجزا تحلیل و بررسی کرده اند؟ آیا آنها می دانند با همین تعداد اندک آهنگساز فیلم و امکانات بسیار ناچیز اجرایی ابداعات و ابتکاراتی در موسیقی متن فیلمهای ایرانی انجام گرفته که مواردی از آن در تاریخ موسیقی فیلم بی سابقه بوده، قابل طرح و دفاع در مجامع بین المللی موسیقی فیلم است و می تواند افتخاری برای سینما و موسیقی فیلم در سرزمین ما باشد؟ قلم بدستانی که درباره موسیقی فیلم می نویسند متوجه باشند که هر موسیقی فیلمی که دارای ملودی لطیف و زیبا و دوست داشتنی باشد، الزاماً تجاری و فاقد ارزش هنری نیست و همینطور هر موسیقی آستره ای نمی تواند قطعاً مناسب فیلم باشد.

موسیقی موفق فیلم آن است که بتواند هر چه بیشتر و بهتر مفاهیم، فضاهای دراماتیک و احساسی، تأثیرات بخصوص مورد نظر کارگردان، و به طور کلی بیان فیلم را قوی تر و مؤثرتر نماید. در حقیقت موسیقی در کنار فیلم به عنوان وسیله ای پر قدرت و مؤثر در خدمت فیلم بوده، ارتباط بین فیلم با تماشاگر را کامل می کند.

آیا منتقدان موسیقی فیلم می دانند چگونه بوسیله ابزار اجرایی و اصوات، آهنگساز فضا سازی موزیکال انجام می دهد؟ آیامی دانند موسیقی فیلم چگونه شخصیت پردازی می کند؟ و بالاخره آیا تکنیکهای اجرایی موسیقی فیلم رامی شناسند؟ نقدهای نوشته شده گواهی می دهند که متأسفانه جواب منفی است.

چگونه جراید، بخصوص ماهنامه محترم فیلم اقدام به چاپ این قبیل نقدها و مطالب درباره موسیقی فیلم می نمایند؟ در حالیکه می دانیم ماهنامه محترم فیلم تنها کانال ارتباطی منظم و قابل حصول بین علاقه مندان سینما و مقوله فیلم هستند و مطالبی که در آنها به چاپ می رسند برای بسیاری از علاقه مندان سینما حجت بوده، به آن اعتماد دارند و در قضاوت‌هایشان به آنها استناد می کنند. بنابراین آیا صحیح است این اعتماد و علاقه به دلسردی و بی اعتمادی بگراید؟ شاید بتوان ایرادی را به آهنگسازان موسیقی فیلم وارد دانست و آن اینکه چرا دست به قلم نمی برند و درباره موسیقی فیلم نقدهایی نمی نویسند و یا لاقبل جواب نقدهای بی محتوی و عاری از حقیقت و تحریف شده و بعضاً توهین آمیز را نمی دهند؟ اگر تا به امروز نقدی نوشته نشده و جواب نقدهای آنچنانی داده نشده است، به دلیل ملاحظات با کل موسیقی و دست اندرکاران موسیقی در جامعه ما بوده است. بنابراین اگر جوابی داده نشده به این معنا نبوده که مطالب مطروحه در نقدها مورد تأیید می باشند و یا قلم متخصصی در این رابطه حساس و قادر به نوشتن نبوده است، بلکه دلایل متعددی وجود دارد که آهنگسازان را از نوشتن جوابی به آنگونه نقدها باز می دارد که ذکر آنها در اینجا موردی ندارد. ولی این امر نبایستی مدیران جراید را وادارد که نسبت به محتوای نقدها بی اعتنا بوده، هر نقدی را از هر شخصی که هویت هنری و دانش موسیقیش مشخص نیست به چاپ رسانده، در این مورد فقط در فکر پر کردن صفحات نشریه خود باشند. بدون در نظر

گرفتن عواقب فرهنگی آن.

خوشبختانه افراد مطلعی در رابطه با موسیقی و موسیقی فیلم در مملکت ما وجود دارند که می توانند بسیار مفید باشند. بهره‌گیری از دانش این افراد نه تنها اعتبار هنری مجلات را بالا می برد بلکه در ارائه خط و مشی درست در مقوله نقد موسیقی فیلم کمک شایانی خواهد کرد.

بامید نقدهای سازنده و آینده‌ای درخشان تر در موسیقی فیلم.

